

**نویسنده:** پروفسور هنری فرانسس بی. ایسپیریتو « Proff. Henry

«Francis B. Espiritu

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «04-2024-14»

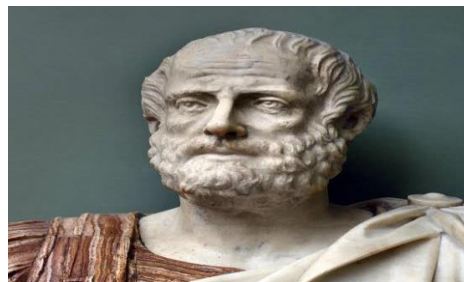
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## فلسفه زندگی و شیوه زندگی است

### Philosophy is Life and a Way of Life

فلسفه به مثابه نقدی قوی بر روند رو به رشد سرمایه داری استخراجی و مصرف گرایی سود محور در نظام آموزشی معاصر

*Philosophy as Forceful Critique to the Rising Trend of Extractive Capitalism and Profit-Driven Consumerism in the Contemporary Educational System*



تصویر ارسطو

فلسفه رسیدن ویا توسل به بینش نسبت به ماهیت واقعی طبیعت است.

\*\*\*\*\*

یکی از جنبه های مهم و مرتبط فلسفه به عنوان یک تحقیق یا پژوهش آکادمیک، این واقعیت موثق است که فلسفه تجربیات عادی ما را به عنوان محل ورود، به عنوان پله ای، «یا سنگ زیربنا» و به عنوان وسیله ای برای دستیابی و یا توسل به بینش نسبت به ماهیت واقعی طبیعت درگیر می کند.

فلسفه حتی معمولی ترین، زمینی ترین (کسیکه به عوض تیوری های انتزاعی به چیزها و اعمال عملی می پردازد... **تفصیل توسط این قلم**)، پیش پا افتاده ترین و ساده ترین تجربه زندگی را به عنوان یک تخته غواصی برای رسیدن به آنچه که افلاطون آن را لوگوس (اصل اساسی) واقعیت و آنچه ارسطو آنرا تلو (نها یی) یا (غایت و یا هدف مطلق) زندگی و هستی نامیده است برسد.

**ارسطو** به این نظر بود که از فلسفه به خودی خود به عنوان موضوعی متعالی یاد میشود.

**فلسفه به جای جزئیات و یا مشخصات ویژه ای، به کلیت اشیا می نگرد.**

**{Philosophy looks at the wholeness of things instead of partiality or particularity.}**



**فلسفه به جای اینکه از منظر جدایی و تفرقه به اشیا بنگرد، به دنبال درک یکپارچه و کل نگر از اشیا است**

حوزه های فکری یا که بسیاری موضوعات از تپ و تلاش های دانشگاهی وجود دارد که رشته مربوطه خود را با ایجاد مقوله ها، خاص سازی ها و تمایزها روشن می کنند تا توضیح دهند که چه چیزی برای آنها واقعیت را تشکیل می دهد یا واقعیت موثق را انعکاس میدهد (خواه واقعیت اجتماعی، واقعیت سیاسی، واقعیت ساخته شده یا حتی خود واقعیت متافیزیکی باشد). ; با این حال، فلسفه به عنوان یک رشته ترکیبی، واقعیت را یکپارچه، به عنوان یکپارچه کلی، به عنوان یک کلیت کامل و جامع می بیند - از این رو

## فلسفه در ذات خود به جهان به طور جامع و کلی نگرینست

واقعیت غایی از منظر موقعیت و دیدگاه فلسفه قبل از اینکه به جزئیات، متمایز بودن یا جدایی تقسیم شود، در درجه اول یکپارچه است.

## فلسفه به حقیقت مطلق می نگرد

یا که فلسفه به حقیقت مطلق به عنوان یک کل تقسیم ناپذیر و اساساً واحد می نگرد:

از این رو، فلسفه نمی تواند از دیدگاه خود نسبت به چیزها و رویدادها، جامع و ترکیبی نباشد (به دیدگاه سنتز نزدیک شود) - و از فیلسوفان نیز انتظار می رود که به جهان، اشیاء، رویدادها و در واقع به اکوسیستم کلی ما از منظری تسامح «مدار کردن» به سنتیز همه جا نبه و تمامیت جامع نگاه کنند

## فلسفه و مصرف گرایی:

در نظام آموزشی معاصر ما یک روند رو به رشد و یک گرایش نهفته وجود دارد که آموزش را صرفاً مثبت گرا، علمی، بیش تجربی، سودگرا، استخراجی و ابزارگرا ببیند.



روند رو به رشد منفعت محور، مصرف گرایی و سرمایه داری کنونی نظام آموزشی کنونی ما، تجلیل از چیزی است که سوفیست های باستان آن را فنی می نامند («چگونگی» چیزها) نه اخلاقی که گفتمان اصول ایده آل فلسفی و اخلاقی است.

سوفسطایی (به یونانی: σοφιστής، رومی: *sophistēs*) معلم یونان باستان در قرن پنجم و چهارم قبل از میلاد بود. سوفسطائیان در یک یا چند زمینه موضوعی مانند فلسفه، بلاغت، موسیقی، دو و میدانی و ریاضیات تخصص داشتند. آنها آرت، «فضیلت» یا «تعالی» را عمدتاً به دولتمردان و اشراف جوان آموزش می دادند.  
.....تفصیل توسط این قلم

## نظام آکادمیک معاصر: سودمند و ابزارگرا



نظام آکادمیک معاصر به سمت یک رویکرد سودگرایانه، ابزارگرا و عمل‌گرایانه به آموزش طراحی شده است که فقط به فایده ساختار اقتصادی سرمایه‌داری و مصرف‌گرا کنونی ما پاسخ می‌دهد. هدف آموزش و پرورش معاصر در عصر ما صرفاً عرضه کارگران به بازارهای جهان اول و کارگران در چرخ دنده سرمایه‌داری شرکتی است.

بسیاری از سیستم‌های آموزشی در جهان سوم در حال حاضر عمدتاً بر برنامه‌های درسی دانشگاهی خود تمرکز می‌کنند و در برنامه درسی خود بر سودمندی و بازاری بودن فارغ‌التحصیلان خود برای تأمین نیروی فکری، فنی و نیروی کار برای شرکت‌های سرمایه‌داری و تجهیزات اقتصادی مصرف‌گرای کشورهای جهان اول تأکید می‌کنند.

اگر قرار باشد بهره‌وری سرمایه‌داری و سودجویی مصرف‌گرایانه تمرکز و تأکید بر نظام آموزشی معاصر ما باشد، فلسفه صرفاً برای یک نظام آموزشی سرمایه‌داری و شرکت‌سالارانه استخراجی، معکوس، گذرا و کاملاً بی‌ربط است: از آنجایی که نیازی سودگرایانه برای فیلسوفان وجود ندارد. جهان «به دست آوردن» و در فرهنگ انباشت: و بدون نیاز به نقد فلسفی، تأمل دقیق، و بازتاب فکری در دنیای کالایی که تأکید آن بر کنش‌های سودآور دیوانه‌وار و تبعیت ناخواسته از خواسته‌های حریصانه شرکت‌های سرمایه‌داری است.

## فلسفه و تعلیم و تربیت انسانی:



و با این حال، اگر بخواهیم تعلیم و تربیت انسان‌گرایانه ایجاد کنیم، فلسفه رشته بسیار مهم و مرتبطی است، زیرا این فلسفه است که در «ذهن، قلب و روح» و نیز انسانیت، انسانیت و انسانیت مناسب را در اختیار انسان قرار می‌دهد.

این فلسفه است که انسان را از ارزش تکرار ناپذیر، تقلیل ناپذیر، غیر قابل جایگزین و منحصر به فرد خود در میان سلطه کالایی و عینی سرمایه داری سودجو، مصرف گرایی، و شرکت داری بخل بر انسان ها و روابط انسانی آگاه می کند.

این فلسفه است که انسان انسانی را که در جست و جوی اصالت اخلاقی و معنوی در میان این دنیای پر زرق و برق پول و این دنیای ظالمانه قدرت طلبی و نفوذ است، راهنمایی می کند. این فلسفه است که به انسان این امکان را می دهد که با دیدگاه شناخت خود در ارتباط با دیگران و جهان، از زندگی در حیرت باشد.

با تأکید بر مطالبات مصرف گرایانه، پوزیتیویستی، ابزار گرایی نه، منفعت گرایانه، استخراج گرایانه و عمل گرایانه آموزش سرمایه دار، ممکن است از نظر برنامه ریزان دانشگاهی کنونی از اهمیت فلسفه کاسته شود و در دروس و برنامه های درسی آموزش عمومی محو شود. دانشگاه های سرمایه دار انتفاع محور و سایر مؤسسات دانشگاهی هم فکر - و خدای ناکرده، فلسفه به عنوان یک درس یا درس ممکن است دیگر در دفترچه های دانشگاهی بسیاری از مؤسسات آموزشی در عصر حاضر ارائه نشود. اما چه کسی ضرر خواهد کرد؟ این خود دانش آموزان خواهند بود: و در نهایت، جوامع کنونی ما از نظر فکری متضرر خواهند شد. از آنجایی که هدف نهایی فلسفه این است که محلی برای انسان سازی اصیل دانش آموزان باشد تا آنها به خاطر خود، دیگران، جهان و اکوسیستم به افراد کامل تبدیل شوند.

### **فلسفه خود زندگی است**

ممکن است در آینده ای نزدیک، فلسفه دیگر به عنوان یک درس یا درس آکادمیک در دانشگاه ها ارائه نشود - و با این حال، این مرگ فلسفه نباشد، زیرا فلسفه، به درستی، فقط یک رشته دانشگاهی نیست.

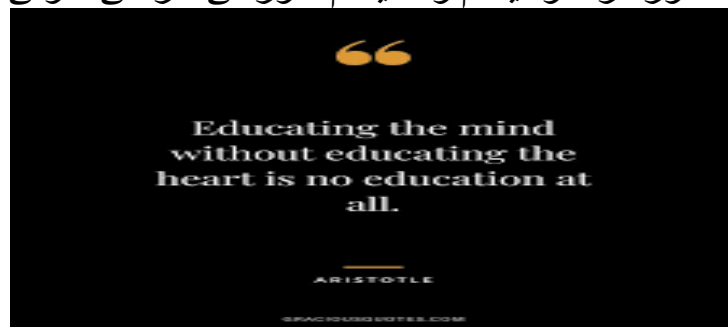
فلسفه خود زندگی است: و تا زمانی که افرادی هستند که در آرزوی اصالت در وجود خود هستند و مدام در تعجب هستند، سؤال می کنند و به دنبال دلیل وجودی زندگی خود و بودن در طرح بزرگتر از چیزها هستند. تا زمانی که هنوز افرادی هستند که از زندگی خسته نشده اند، اما پیوسته از زیبایی چیزی که زندگی ارائه می دهد شگفت زده می شوند، تا زمانی که افرادی هستند که می خواهند در قربانگاه خرد واقعی قربانی شوند تا بتوانند زندگی خود را برای خیر بشریت و خدمت به جهان خرج می کنند و تقدیم می کنند، پس مطمئناً فلسفه اینجا است که می ماند و قطعاً همیشه اینجا خواهد ماند.

نظام آموزشی معاصر سرمایه داری، پولی استخراجی و سود محور ما هرگز نمی تواند مشعل همیشه روشن حکمت را که خود فلسفه است خاموش کند.



فلسفه زندگی است و گسترده تر، جامع تر و جامع تر از نظر پیردازی صرف است که از طریق یادگرفتن، یا به خاطر سپردن ساده، یا با شرطی سازی بی امان که توسط این آموزش سرمایه داری دیوانه مصرف کننده امروزی به دست می آید. فلسفه زندگی و شیوه زندگی است .

همانطور که خورشید در شرق طلوع می کند، مطمئناً می توان آن را تضمین کرد - فلسفه به عنوان زندگی و به عنوان یک روش زندگی مطمئناً تا زمانی که انسان های اصیلی وجود دارند که در جستجوی جدی اهمیت زندگی هستند و در هیبت هستند، باقی خواهد ماند. از واقعیت تلخ و شیرین زندگی، و کسی که آرزوی تما میت و اصالت را در میان این دنیای مدرن سودگرایی استخراجی، ابزارگرایی، عینی سازی و کالایی سازی انسان ها، هر دو اجزای غیر زنده و زنده زیست بوم ما توسط سرمایه داری و مصرف گرایی سود محور در اکوسیستم و سیستم آموزشی شرکتی کنونی ما وجود دارد.



## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله علمی و اکادمیک:

پروفسور Henry Francis B. Espiritu دانشیار 7 فلسفه و مطالعات آسیایی در دانشگاه فیلیپین (UP)، شهر سبو، فیلیپین است .

او هماهنگ کننده آکادمیک برنامه علوم سیاسی در UP Cebu از 2011-2014، و هماهنگ کننده برنامه دفتر جنسیت و توسعه (GAD) در UP Cebu از 2015-2016 و از 2018-2019 بود .  
علاقه پژوهشی او عبارتند از: اخلاق نظری و کاربردی، مطالعات اسلامی به ویژه فقه اهل سنت، گفتمان های فمینیستی اسلامی، اسلام در ابتکارات گفتگوی بین ادیان، محیط گرایی اسلامی، تربیت اسلامی کلاسیک اهل سنت، نوشته های غزالی در مورد کثرت گرایی و مدارا، اسلام در شبه قاره هند، تصوف ترک، مطالعات آنا تورک، مطالعات عثمانی، مطالعات چنگیزخان، اندیشه سیاسی مارکسی، گفتگوی مسلمان و مسیحی، امور خاورمیانه، مطالعات صلح، الهیات عمومی، و پست مدرنیسم در فلسفه  
او یکی از همکاران پژوهشی مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) کانادا نیز است.

----- **با تقدیم احترامات «2024-04-15»**